



مریم مختاری
پژوهشگر حوزه زنان

(پرتو)

زنان حاشیه شهر و آسیب‌های اجتماعی

اوضاع نامطلوب اقتصادی و کاهش استانداردهای زندگی سالم در مناطق حاشیه‌نشین، بستر ساز آسیب‌های اجتماعی و محرومیت‌های متعددی است که زنان و مردان، هریک با شدت متفاوتی آن را تجربه کرده‌اند زیرا حاشیه‌نشینی زمینه رشد سالم را با موانعی اساسی روبه‌رو می‌کند و محدودیت‌های بسیاری برای ساکنان به وجود می‌آورد. تجربه و مواجهه با اوضاع زندگی در محیط‌های حاشیه شهر، به ویژه برای دختران و زنان، چالش‌های بیشتری به همراه دارد. این محرومیت‌ها و مشکلات تنها در بعد اقتصادی تجربه نمی‌شود. چهارچوب‌ها، فضای بسته محیط اجتماعی و رسوم سنتی مانع استقلال عمل دختران و زنان شده است و در برخی موارد به دوری آن‌ها از اجتماع منجر می‌شود. رفتارهای آن‌ها در مناطق حاشیه‌نشین از سوی خانواده‌ها زیر نظارت و کنترل بیشتری قرار می‌گیرد. بنابراین دختران و زنان حاشیه‌نشین در مقایسه با دیگر زنان، درجه بیشتری و در ابعاد متعددی محرومیت را تجربه می‌کنند. در نتیجه، پیامدها و آسیب‌های بسیار زیادی برای این قشر به همراه دارد.

فقر و ترک تحصیل، بیکاری، فقدان برنامه صحیح برای پر کردن اوقات فراغت، احساس نابرابری و در دسترس بودن مواد مخدر، باعث افزایش اعتیاد در میان دختران و زنان حاشیه‌نشین می‌شود. بیشتر خانواده‌های حاشیه‌نشین شغلی رسمی برای تأمین معاش خود ندارند و چون این افراد عموماً فاقد مهارت و تخصص هستند، به مشاغل کاذب و کم‌درآمد مثل دست‌فروشی روی می‌آورند.

هم‌چنین ازدواج زودهنگام دختران حاشیه‌نشین برای فرار از فقر، یکی از دلایل توقف آموزش آن‌ها در سنین پایین است. ازدواج در سن پایین معمولاً از پیش تعیین شده و بدون توجه به آمادگی روحی و احساسی دختران است که به مراقبت‌های زیادی نیازمندند.

انتظار می‌رود در کنار فقر، نرخ آسیب‌های اجتماعی در این مناطق بیشتر باشد و این در حالی است که مادران تلاش می‌کنند بینان خانواده را حفظ کنند اما فشارهای اقتصادی مضاعف به طور کامل بر خانواده سایه افکنده است. قطعاً مشاوره‌ها و تسهیل‌گران قادر خواهند بود به بالا بردن امید و روحیه در مادران کمک بیشتری کنند.

زنان به عنوان نیمی از جمعیت حاشیه‌نشین از بسیاری جهات دچار محرومیت‌های اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی مضاعفی هستند که آن‌ها را به شدت در معرض آسیب قرار می‌دهد. زنان آسیب‌دیده به زانی اطلاق می‌شود که به دلایلی چون متشنج بودن خانواده و... از کانون خانواده فرار کرده‌اند یا در پی اختلاف و سوءتفاهم از خانواده اخراج شده‌اند یا فاقد سرپرست یا بدسرپرست هستند. آمادگی و درایت اجتماعی و روانی لازم یا توان کافی اقتصادی برای زندگی مستقل را ندارند و احتمال آسیب‌پذیری حاد و افتادن در دام اعتیاد در آن‌ها وجود دارد.

برخی از زنان حاشیه‌نشین نه تنها از فقر مادی و گیرافتادن در تله محرومیت رنج می‌برند بلکه فقر از طریق مؤلفه‌های فرهنگی شامل بی‌تفاوتی اجتماعی، نابسامانی خانوادگی و ناامیدی، به ایجاد و افزایش آسیب در این زنان منجر می‌شود. در حوزه سلامت، نیازمند آموزش هستند تا بتوانند از کمترین امکانات بیشترین استفاده را ببرند.

زنان و دختران مناطق حاشیه‌نشین جزو جمعیت آسیب‌پذیر هستند و برای کاهش آسیب‌های اجتماعی، بهداشت، آموزش و امنیت زنان و دختران در این مناطق، موضوعات بسیار مهمی هستند که باید مورد توجه سیاست‌گذاران اجتماعی قرار گیرند و معضل حاشیه‌نشینی و زنان جز با توانمندسازی اقتصادی آن‌ها و کمک به رشد فرهنگ و آموزش و بالا بردن امکانات حداکثری افزایش پیدا نخواهد کرد.

هم‌چنین نگاه ویژه به رشد و بالندگی استعدادهای پنهان در حاشیه شهر در راستای کمک به این مناطق خود می‌تواند نقطه روشنی در بهبود شرایط موجود باشد.

امید آن است که با درایت کافی سیاست‌گذاران و مسئولان مشکلات بانوان در حاشیه شهر کمک‌تر شود.



شهربانو

شماره ۳
شماره ۱۴۰۱
شماره ۱۴۴۴
شماره ۳۷۵۴

(۲)

حمیده وحیدی
روزنامه‌نگار

(مہتاب)



فرشته‌هایی که باید دیده شوند

همین که تصمیم گرفتیم پرونده حاشیه شهر مشهد، فرصت‌ها و چالش‌های روبه‌روی زنان را بررسی کنیم فارغ از همه بحث‌ها و هم‌اندیشی‌ها یکبار به یاد «فرشته» افتادم، دختری که حدود هفت سال پیش به روزنامه شهرآرا آمد و خاطره‌ای از خودش به جا گذاشت که هرگز گذر زمان بر آن غباری نگذاشت و آن ماجرا برایم مانند همان روز روشن و شفاف باقی ماند. فرشته دختر مستعد و نوجوانی از آن دوره‌ها در حاشیه شهر بود که پدرش نان حلال و رزقشان را از راه کارگری و حمل بار به دست می‌آورد. آن زمان بر حسب بد روزگار مادرش دچار سوختگی شدید شده بود و داروهای که استفاده می‌کرد بسیار گران بودند. فرشته که از کودکی علاقه زیادی به طبابت سنتی داشت توانسته بود یک کرم ارزان قیمت درست کند و دست مادر بهبود یابد. یادم هست ابتدا ترسیده بود که داروی ساختگی خودش را روی مادرش امتحان کند. برای همین بر اساس ذهنیت نوجوانی «اگرچه قطعاً کار درستی نبود» روی دست خودش آب جوش ریخته بود و با موبایل فیلم گرفته بود و سپس روی تاول‌های دستش داروی ساختگی خودش را امتحان کرده بود.

بگذریم روزی که به روزنامه شهرآرا آمد تمام دستش پوست کنده و زخمی بود برای اثبات حرفش فیلم و دارویش را به همراه داشت. می‌گفت پوست دست مادرش خوب شده است. تا جایی که به یاد دارم در جشنواره دانش‌آموزی «جابرین حیان» هم توانسته بود مقامی کسب کند و تنها آروزی این بود که به مدرسه‌ای برود که در آن آزمایشگاه داشته باشد و اختراع کند. فرشته و خانواده‌اش پولی برای ثبت اختراع نداشتند و آرزوهای او در حد امکانات بسیار کم مدرسه می‌گذشت.

آن زمان بعد از چاپ مصاحبه‌اش در شهرآرا یکی از مدارس خوش‌نام مشهد برای پذیرش او اعلام‌آمادگی کرد. دکتر دوراجی، مشاور حقوقی شرکت‌های مستقر در پارک علم و فناوری دانشگاه صنعتی شریف، نیز اعلام کرد که می‌تواند از فرشته برای رسیدن به اهدافش حمایت کند. با هم یکی دو جا برای حمایت سرزدیم اما به قول معروف ابر و باد و مه و خورشید و فلک در یک جای به نام مشکلات در حاشیه شهر جمع شدند و آن زمان اجازه ندادند فرشته ما پرواز کند.

چند سال بعد وقتی جویای احوالش شدم فهمیدم که ازدواج کرده و حالا آن دختر مخترع یک مغازه داروی گیاهی در گوشه شهر دارد و هنوز دلش پر می‌کشد که دانشگاه برود و درس بخواند و شاید یک داروساز نخبه شود. راستش می‌دانم که هر آدمی می‌تواند برای رسیدن به آرزوهایش در هر سن و سال و شرایطی بدود اما واقعیت این امر این است که فارغ از همه معضلات در حاشیه شهر از نبود سرپناه مناسب و تحصیل و فقر و مشکلات سلامت و... باید همگی تلاش کنیم رشد استعدادهای فرشته‌های کوچک حاشیه شهر را دریابیم. شاید باید این روزها بیش از گذشته به خودمان یادآور شویم که چشم‌هایی منتظر نشستند تا ما یک بال برای پروازشان شویم. چه کسی جز صاحب این شهر می‌داند که رضایت خلق در رضایت او نهفته است...

این مصاحبه
در ۲۶ بهمن‌ماه
سال ۱۳۹۳
در روزنامه شهرآرا
چاپ شده
است

